



قدم را بدان



می دانم روزی فرا می رسد که حسرت روزهای با هم بودنمان را بکشی...

می دانم پشیمان خواهی شد از اینکه یک قلب عاشق را شکستی !

می رسد روزی که با چشمهای خیس روزی صدها بار متنهایی که به عشق تو نوشتم را
بخوانی

و قدر آن لحظه که با من بودی را بدانی....

می دانم پشیمان می شوی !

دیگر کسی مانند من در قلبت متولد نخواهد شد ...

مانند من دیگر کسی نیست که دیوانه وار عاشق تو باشد

و تو را از ته دل دوست داشته باشد!

قدم را ندانستی ای بی وفا....

آن زمان قدر مرا خواهی دانست که دیگر نمی توانی مرا ببینی

و آن زمان برایت یک گمشده خواهم بود....

مانند من دیگر کسی در زندگی ات نخواهی دید

کسی که شب و روز به یاد توهست و از غم نبودنت چشمهایش لحظه به لحظه بارانی است....

می دانم روزی فرا می رسد که برای یافتنم به کهکشانها نیز سفر خواهی کرد!

می دانم روزی فرا می رسد که با خود می گویی ای کاش که قلبش را زیر پاهایم له نکرده بودم

ای کاش قدر آن اشکهایی که برایم می ریخت را می دانستم!

من می روم تا قدرم را بدانی

تا هستم و عاشقت هستم و هنوز هم دیوانه وار تو را دوست دارم مرا باور نمی کنی

اما لحظه ای که می روم و دیگر هیچ نام و نشانی از من نیست پشیمان می شوی که چرا قلب عاشقم را باور نکردی!

می روم تا معنای عشق را بفهمی و بدانی که از ته دل عاشقت بودم

می روم تا یک بی وفا مثل خودت به زندگی ات بیاید و قلبت را بشکند و تو را تنها بگذارد!

آن زمان است که معنای تنهایی را خواهی فهمید!

می رسد آن روزی که برای یافتنم از هفت دریا و هفت آسمان بگذری!

افسوس که آن روز دیگر قلبم برای تو نیست ، عاشق تو نیست

تا هستم ، عاشقت هستم و دوستت دارم مرا باور کن

تا پرستویی نیامده و مرا همراه با خود نبرده است مرا درک کن

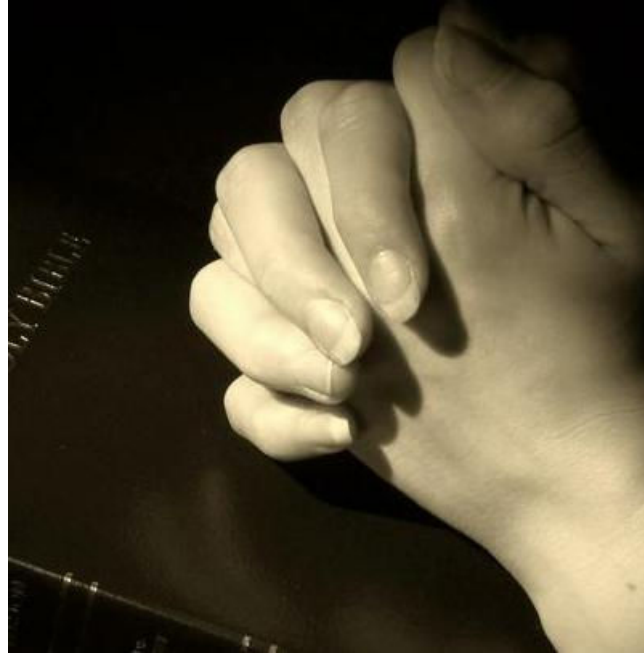
که اگر رفتم دیگر نخواهم آمد

آن لحظه است که خواهی فهمید من چقدر تو را دوست داشته ام

تا هستم مرا باور کن زیرا اگر رفتم دیگر مرا نخواهی دید!

امروز که محتاج توام ، جای تو خالیست....

فردا که میایی به سراغم ، نفسی نیست....



alifathi1385.blogfa.com